



# حوزه و راهبردهای اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی، منجر به حرکت و فعال شدن نهادهای دینی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی بوده است. حوزه علیمه هم به تناسب این دگرگونی‌ها و فراخور نیازها و ایجاد مسائل مستحدثه، ورود به عرصه‌های اجتماعی و سیاسی را به عنوان یک وظیفه برای خود بازتعریف کرد و با توجه به نیازهای انقلاب، به پاسخ‌گویی می‌پرداخت و این منجر به تغییر در کارکردهای حوزه سنتی شد و حوزه، ماهیت جدیدی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی پیدا کرد که چنین حوزه‌ای را حوزه انقلابی می‌نامند؛ یعنی حوزه‌ای که معتقد به اسلام سیاسی و نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه جامع‌الشرایط، ملهم از اندیشه‌های فقهی و کلامی امام خمینی رحمته‌الله علیه است. چنین نگاهی به حوزه، تا قبل از انقلاب وجود نداشت.



محمد اسماعیل نباتیان  
استادیار دانشگاه تهران

حوزه انقلابی مکلف به حفظ و اشاعه ارزش‌ها و گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان نظامی که پس از صدر اسلام، برای نخستین بار توانست الگویی مبتنی بر اسلام صحیح و متأخذ از قرآن و احادیث را در جامعه تحقق بخشد، حال چنین وظیفه‌ای چه در سطح داخل و چه در بین‌الملل محول بر آن شد. به‌طور کلی یکی از عوامل حفظ و پویایی یک اندیشه و نیز الگوی سیاسی - اجتماعی متخذ از آن اندیشه، اشاعه و فراگیرکردن و بسط آن در فزاینده‌ترین جغرافیایی است. براین اساس، سؤالی که این نوشتار به دنبال پاسخ به آن می‌باشد، عبارت است از این‌که حوزه علمیه انقلابی، چه نقشی در اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی ایفا می‌کند؟ در پاسخ باید گفت: حوزه انقلابی به عنوان حامل گفتمان اصیل اسلامی که انقلاب نیز بر آن مبتنی یافته و با دارا بودن ظرفیت‌های تأثیرگذاری چون مرجعیت، کثرت طلاب و مبلغان و نقش شبکه‌ای آن‌ها در کشورهای مختلف، مساجد و حسینیه‌ها و هیئت‌های مذهبی و... این امکان را داراست که گفتمان انقلاب اسلامی را به عنوان یک الگوی جایگزین در مقابل گفتمان حاکم لیبرالیستی و نیز گفتمان اسلام غیرانقلابی در جوامع مسلمان طرح و نهادینه‌سازی نماید. تحلیل و تبیین مسئله، مستلزم تمسک به چارچوب نظری مؤتلفی است تا حدود و ثغور بحث و روند منطقی آن به درستی تبیین گردد. از این رو، به «نظریه پخش» هاگر استراند دست یازیدیم که در تحلیل انتشار و اشاعه ایده‌های فرهنگی و سیاسی،

بسیار پویاست.

نظریه پخش یا اشاعه‌ها گراستراند، مبتنی بر چهار رکن می‌باشد:

۱. مبدأ پخش: که حوزه انقلابی در جمهوری اسلامی است؛

۲. موضوع پخش: که در این جا فرهنگ انقلاب اسلامی است؛

۳. مقصد پخش: مکان‌هایی است که محتوا و موضوع پخش به آن‌ها می‌رسد؛ نظیر جهان اسلام؛

۴. مسیر پخش: که حرکت موضوع پخش از مبدأ به مقصد می‌باشد.

در این جا به تحلیل نقش حوزه انقلابی در اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی در قالب این چهار رکن نظریه پخش می‌پردازیم.

## ۱. حوزه انقلابی به مثابه مبدأ اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی

یکی از ارکان اساسی نظریه پخش، مبدأ پخش است. مبدأ را همانا مکانی تلقی می‌کنند که ایده فرهنگی جدید، در آن نضج و ظهور پیدا می‌کند. بر این اساس، در این جا حوزه انقلابی در جمهوری اسلامی ایران، به مثابه مبدأ پخش و اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد. مؤید این ادعا، بیانات و آثار رهبری انقلاب و بزرگان آن می‌باشد؛ به گونه‌ای که حوزه علمیه به عنوان نهادی که نقش اصلی و اصیل آن در تکوین، تثبیت و تداوم نهضت اسلامی و گفتمان انقلاب است، تعریف شده است. حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرمایند:

«رسالت روحانیت و حوزه علمیه، همانا هدایت‌گری در

یکی از ارکان اساسی نظریه پخش، مبدأ پخش است. مبدأ را همانا مکانی تلقی می‌کنند که ایده فرهنگی جدید، در آن نضج و ظهور پیدا می‌کند. بر این اساس، در این جا حوزه انقلابی در جمهوری اسلامی ایران، به مثابه مبدأ پخش و اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد.

مسیر فرهنگ اصیل اسلام انقلابی است و هدایت‌گری، امری انسانی و فراملی است. از این رو، نقش حوزه در اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی، در راستای وظایف ذاتی آن محسوب می‌شود و اساساً معنای صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند؛ همه دولت‌ها بیدار شوند و خودشان را ... از این تحت سلطه بودن که هستند ... نجات بدهند.<sup>۱</sup>

تحلیل و بررسی نقش حوزه انقلابی در صدور اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی، مستلزم تبیین خصایص و شاخص‌ها و نیز ضرورت‌های آن می‌باشد. از این‌رو، با بهره‌گیری از

واقعیت‌های حوزه و نیز بیانات و دیدگاه‌های امام خمینی رحمته‌الله علیه و بزرگان انقلاب نظیر استاد مطهری، دکتر بهشتی، دکتر باهنر و حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، تلاش شده شاخص‌های حوزه انقلابی استخراج شود و در این راستا به ضرورت‌هایی که حوزه انقلابی باید در آن مسیر سیر نماید، اشاره می‌گردد.

### الف) شاخص‌های حوزه انقلابی:

۱. اعتقاد به اسلام سیاسی و نظام مبتنی بر ولایت فقیه؛
۲. حمایت از نظام جمهوری اسلامی؛
۳. استکبارستیزی؛
۴. مردمی بودن حوزه انقلابی؛
۵. غیررسمی و غیردولتی بودن حوزه؛
۶. برخورداری از شخصیت‌های برجسته

●

در جمع‌بندی بحث ویژگی‌ها و ضرورت‌های حوزه، می‌توان بیان داشت که رهبری روحانیت در انقلاب اسلامی، در برابری قدرت قوی منطقه‌ای و مورد حمایت قدرت‌های بزرگ و در ادامه، تحقیر امریکا به مثابه شیطان بزرگ، این باور را در میان توده‌ها و نخبگان مسلمان ایجاد کرد که با تمسک به ارزش‌ها و تعالیم اسلامی، زمینه و امکان مبارزه علیه حکومت‌های غالباً مستبد و وابسته جهان اسلام فراهم می‌شود

●

انقلابی به مثابه الگو، نظیر سید جمال‌الدین اسدآبادی و امام خمینی. (ب) ضرورت‌های حوزه در مسیر اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی:

۱. تربیت متفکر و اندیشمند با رویکردی جهانی و آرمان جامعه مهدوی؛
۲. آینده‌نگری؛
۳. تفکر احیاءگری و اصلاح‌طلبی در حوزه علمیه؛
۴. آگاهی به زمان و مسائل آن. در جمع‌بندی بحث ویژگی‌ها و ضرورت‌های حوزه، می‌توان یادآور شد که رهبری روحانیت در انقلاب اسلامی، در برابری قدرت قوی منطقه‌ای و مورد حمایت قدرت‌های بزرگ و در ادامه، تحقیر امریکا به مثابه شیطان بزرگ، این باور را در میان توده‌ها و نخبگان مسلمان ایجاد کرد که با تمسک به ارزش‌ها و تعالیم اسلامی، زمینه و امکان مبارزه علیه حکومت‌های غالباً مستبد و وابسته جهان اسلام فراهم می‌شود و حتی می‌توان به پیروزی دست یافت و نظامی مبتنی بر تفکر اسلام سیاسی تأسیس نمود. از سوی دیگر، این مطالبه از حوزه‌های دینی را در میان مسلمانان قوام بخشید که همچون حوزه‌های علمیه ایران، رویکردی انقلابی متأثر از آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی را اتخاذ نمایند. در واقع، این مطالبه، سرآغاز توجه توده‌ها به حوزه‌های دینی به مثابه نیروی پیشرو در مسیر مبارزه و کسب راه‌حل برای سیر در این طریق دشوار گردید. این توجهات توده‌ها در جهان اسلام، به اراده و اقدام حوزه در اشاعه گفتمان انقلابی،

مشروعیت مردمی و اجتماعی می‌دهد.

## ۲. گفتمان انقلاب اسلامی به مثابه موضوع

### پخش و اشاعه

از دیگر ارکان نظریه پخش، موضوع پخش می‌باشد:

برای تبیین موضوع، لازم است به تبیین شاخص‌ها و مؤلفه‌ها و خصایص گفتمان انقلاب اسلامی و حدود و ثغور آن بپردازیم.

۱. حاکمیت الهی؛

۲. عدالت‌محوری؛

۳. جمهوریت و مردم‌سالاری؛

۴. استکبارستیزی؛

۵. آرمان‌گرایی؛

۶. جهان‌شمولی؛

۷. دفاع از مستضعفان و مظلومان جهان؛

۸. آزادی و استقلال.

آنچه اشاره شد، برخی از مؤلفه‌های مهم گفتمان انقلاب اسلامی است که باید به مثابه موضوع پخش، در اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی از سوی حوزه انقلابی مورد توجه قرار گیرند و کمی مجال، امکان تفصیل همه آن‌ها را سلب می‌کند.

## ۳. مقصد پخش و اشاعه

### گفتمان انقلاب اسلامی

یکی از ارکان در نظریه پخش، مقصد پخش است. مقصد و محیط هدف، به فراخور ایده‌ای که در مسیر آن مقصد جهت داده می‌شود، متفاوت ظهور پیدا می‌کند. برخی از محیط‌های هدف، پذیرا و هم‌گرا با آن ایده هستند؛ از این رو، زمینه سیاسی یا فرهنگی یا اجتماعی

و یا همه بسترها برای اشاعه و پخش فراهم می‌باشد. بالطبع اشاعه ایده مورد نظر در آن، سهل‌تر و موفقیت‌آمیزتر خواهد بود؛ اما بعضی از محیط‌های مقصد، ناپذیرا بوده و با فرهنگ و نیز مبدأ پخش، رویکردی واگرایانه دارد. در این صورت، امکان اشاعه و پذیرش ایده، سخت و بعضاً ناممکن می‌گردد. در ادامه به چنین محیط‌هایی اشاره می‌شود:

### الف) مقصد و محیط‌های پذیرا و هم‌گرا: در

چنین محیط‌هایی، شاهد حضور عوامل پذیرا هستیم که مراد از این عوامل، تجانس فرهنگی، فکری، دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی میان مبدأ و مقصد است. به نسبت نقش‌آفرینی این عوامل، زمینه‌های پذیرش و بازتاب فرهنگ انقلاب اسلامی افزایش می‌یابد؛ به طور مثال، تجانس مذهبی در میان طبقات گسترده‌ای از جامعه عراق و لبنان با ایران، سبب شده که فرهنگ انقلاب اسلامی در آن‌ها تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد. در مورد افغانستان - ایران، می‌توان تجانس فرهنگی - زبانی را مشاهده نمود. نفس همسایگی میان مبدأ و مقصد، نقش فوق‌العاده‌ای

در موفقیت اشاعه فرهنگ انقلابی دارد؛ نظیر ایران - افغانستان، ایران - عراق و ایران - آذربایجان. اما در این میان، با توجه به موضوعیت حوزه انقلابی در اشاعه گفتمان انقلاب که حاملان مذهب شیعه و رسالتش تبلیغ تعالیم شیعی است، تجانس مذهبی نقش مؤثرتری در اشاعه این گفتمان دارد؛ چراکه بسیاری از ارزش‌های گفتمان انقلابی، همانا ارزش‌های مکتب

نفس همسایگی میان مبدأ و مقصد، نقش فوق‌العاده‌ای در موفقیت اشاعه فرهنگ انقلابی دارد؛ نظیر ایران - افغانستان، ایران - عراق و ایران - آذربایجان. اما در این میان، با توجه به موضوعیت حوزه انقلابی در اشاعه گفتمان انقلاب که حاملان مذهب شیعه و رسالتش تبلیغ تعالیم شیعی است،

تشیع است که شیعیان در هر جای دنیا به آن علاقه مند و بلکه معتقدند؛ از این رو، در برابر ورود چنین گفتمانی، مقاومت نمی‌کنند و غالباً از آن استقبال می‌نمایند.

مهم‌ترین عوامل تأیید یا تسریع‌کننده پذیرش گفتمان انقلاب اسلامی در محیط‌های هدف را می‌توان به شرح زیر احصا کرد:

۱. تجانس دینی؛

۲. تجانس یا وجود

اشتراکات فرهنگی؛

۳. هم‌سایگی؛

۴. روابط سیاسی حسنه بین دولت‌ها.

**ب) مقصد و محیط‌های ناپذیرا و واگرا:**

با وجود زمینه‌های پذیرا در برخی کشورها، اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی در این کشورها با موانعی نیز مواجه می‌شوند که آن‌ها را به محیطی ناپذیرا تبدیل می‌کند؛ برای مثال، عراقی زمان دیکتاتوری صدام، با وجود تجانس مذهبی، اشاعه فرهنگ انقلاب اسلامی با مانع سختی به نام دولت جبار و سکولار صدام مواجه بود و وی در این راه، دست به جنایت‌های بزرگی از جمله شهادت رهبران شیعه مثل آیه‌الله صدر و خاندان آیه‌الله حکیم و... زد. در این جا به برخی از موانع مهم اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی در کشورهای مختلف اشاره می‌کنیم:

۱. دولت سکولار و عمدتاً دیکتاتور در جهان اسلام؛

۲. شکاف عربی-عجمی یا فارسی-ترکی؛

۳. تعارض در عین تجانس؛

۴. نفوذ قدرت‌های بزرگ و متخاصم با انقلاب

اسلامی؛

۵. شکل‌گیری کانون‌های بدیل برای اسلام

سیاسی نظیر جریان‌های تکفیری؛

۶. فعالیت کانون‌های

شیعی با رویکرد متحجرانه در برخی کشورها.

۴. مسیر پخش و اشاعه

گفتمان انقلاب اسلامی

مسیر پخش، از ارکان مهم

نظریه پخش به شمار می‌آید

و تأثیر زیادی در تعمیق

و توسعه پخش یک ایده

جدید، نظیر گفتمان انقلابی

دارد. با عنایت به تفاوت

محیط‌های هدف در اشاعه

و پخش یک مقوله و به اقتضای عوامل مختلفی

که در آن نقش دارند، استراند سه روش را برای

پخش مطرح می‌کند: روش جابه‌جایی، روش

سلسله‌مراتبی و روش سرایتی یا واگیردار. البته

در دو روش اخیر، پخش با سرعت بیشتری تحقق

می‌یابد، برخلاف روش جابه‌جایی که به علت

اتکای بر انتقال فیزیکی فرد یا افراد، پخش و

اشاعه بطیء می‌باشد. البته ضعف دور روش اخیر

این است که تأثیرگذاری‌شان، به‌ویژه در نسل

اول، سطحی بود و عمق نمی‌یابد و به همین

علت، امکان بازگشت از آن اعتقاد و باور زیاد

است؛ نظیر ارتداد برخی از قبایل در اواخر عمر

شریف پیامبر ﷺ، که این قبایل با اسلام آوردن

رئیس قبیله، مسلمان شده بودند. در حالی که

در روش جابه‌جایی، چون هر فرد به‌طور ویژه

مورد تبلیغ و هدایت قرار می‌گیرد و به آن ایده

باور پیدا می‌کند، در نتیجه از تعمیق اعتقادی

بیشتری برخوردار می‌باشد. در این جا به بررسی

اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی به سه روش

یاد شده می‌پردازیم:

**الف) پخش و اشاعه گفتمان انقلاب**

**اسلامی به روش جابه‌جایی:** همان‌طور

که اشاره شد، لازمه این نوع پخش، انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل یک اندیشه و ایده است. در روش جابه‌جایی، حاملان گفتمان جدید، مبلغان، تاجران، دانشجویان و مهاجران هستند که از طریق تماس فردی، گفتمان و ایده جدید را بسط و توسعه می‌دهند و چون این نوع پخش مستلزم حرکت فیزیکی حاملان آن ایده جدید است، لذا سرعت انتشار آن کند و بطیء است.

امعان نظر در نقش و ظرفیت حوزه علمیه در فرهنگ‌سازی و تبلیغ آموزه‌های دینی، مبین وجود ظرفیت‌های متعدد و مؤثر در مسیر اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد. نکته شایان ذکر این‌که چون ظرفیت‌های حوزه علمیه عمدتاً بر تبلیغ و مبلغ اتکا دارد و خیل عظیمی از مبلغان در این مسیر به رسالت تبلیغی خود مشغول‌اند، روش جابه‌جایی، نسبت به دو روش دیگر از امکان بیشتر و پایدارتری جهت اشاعه فرهنگ انقلاب اسلامی توسط حوزه انقلابی برخوردار می‌باشد. اهم ظرفیت‌های حوزه انقلابی در اشاعه فرهنگ انقلابی که در قالب روش جابه‌جایی قابل تحقق می‌باشند، به شرح زیر است:

۱. مرجعیت دینی؛

۲. شبکه گسترده تبلیغ و مبلغین در جهان که مرکزیت فکری و معرفتی آن‌ها، حوزه علمیه می‌باشد و این مبلغین عمدتاً دارای نظام باوری انقلابی می‌باشند؛

۳. کثرت دانش‌آموختگان خارجی حوزه علمیه؛
۴. دفاتر مراجع و علما؛ امروزه، مراجع تقلید در کشورهای متعدد، دفاتری را تأسیس نموده‌اند که محل رجوع مؤمنان می‌باشد؛
۵. مساجد، حسینیه‌ها و مراکز اسلامی در کشورهای مختلف؛
۶. مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام در ایام محرم؛
۷. مناسک حج و ...

**ب) پخش و اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی به روش سلسله‌مراتبی:** در این نوع پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله‌مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل و

گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر و یا از یک مرکز شهری مهم به مرکز دیگر گسترش می‌یابد. پخش سلسله‌مراتبی را در عنصر «پیشاهنگ»‌ها می‌توان برجسته کرد. به تعبیر دیگر، در مسئله پخش، پیوسته مجموعه نواحی، حالت پیشاهنگی و قافله‌سالاری نسبت به دیگر محیط‌های هدف دارند؛ به طوری که در صورت ورود ایده جدید به این سرزمین‌های پیشاهنگ، این ایده به شکل غیرقابل کنترل و به گونه سلسله‌مراتبی انتشار می‌یابد؛ نظیر کشور لبنان و عراق و سوریه به مثابه پیشاهنگ اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی به جهان عرب، افغانستان در آسیای

در انقلاب اسلامی ایران نیز آرمان جهانی‌رهایی مستضعفان و اعتقاد به عدم توقف انقلاب پس از پیروزی آن در ایران، مسئله اشاعه انقلاب و گفتمان انقلاب اسلامی را به دغدغه‌ای پررنگ برای رهبری انقلاب تبدیل نمود. در این میان، به علت ماهیت اسلامی انقلاب، آرمان‌های اسلامی آن و نقش پررنگ حوزه علمیه در رهبری انقلاب و نظام برآمده از آن، سبب شد که حوزه علمیه در صدر توجهات در مسئله اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی قرار گیرد.

میانه، پاکستان در شبه قاره هند، ترکیه در قفقاز و بالکان، نیجریه در افریقای غربی. با عنایت به این که اندیشه و ایده نو در افکار فرهیختگان هر جامعه زودتر از دیگران نقش می بندد و فرهیختگان نیز از مرجعیت فرهنگی - اجتماعی برخوردارند، اشاعه گفتمان انقلابی و پذیرش آن توسط فرهیختگان، زمینه تأثیرگذاری فراگیرتری را فراهم می نماید.

امعان نظر در ظرفیت های حوزه علمیه، مبین آن است که زمینه اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی در قالب روش سلسله مراتبی وجود دارد؛ گرچه همان طور که اشاره شد، این روش نسبت به روش جابه جایی از تعمیق یافتگی کمتری برخوردار می باشد. در این جا به برخی از ظرفیت های حوزه اشاره می کنم که استعداد اشاعه گفتمان انقلابی به روش سلسله مراتبی را دارا هستند:

۱. مراجع تقلید مقیم دیگر کشورها؛
۲. دانش آموختگان خارجی حوزه علمیه؛
۳. مساجد، حسینیه ها و مراکز اسلامی در کشورهای مختلف؛
۴. مدارس و حوزه های علمیه خارج از کشور؛
۵. دفاتر مراجع و علما؛
۶. گفتمان سازی؛
۷. شکل گیری کانون های ثانویه، مثل جنبش حزب الله لبنان، جنبش اسلامی نیجریه، تحریک فقه جعفری پاکستان، انصارالله یمن و...؛
۸. مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام در ایام محرم.

**ج) پخش و اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی به روش سرایتی:** در این نوع، گسترش عمومی ایده ها بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب صورت می گیرد؛ مانند اشاعه بیماری های مسری که با تماس مستقیم منتشر می شود. این فرآیند تحت تأثیر فاصله قرار دارد. بنابراین، افراد و نواحی نزدیک نسبت به افراد و نواحی

دوردست، احتمال تماس بیشتر دارند. برخی از ظرفیت های حوزه انقلابی که در قالب روش سرایتی در اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی نقش دارند، عبارتند از:

۱. مراسم پیاده روی اربعین؛
۲. مناسک حج؛
۳. مهاجران افغانستانی و عراقی مقیم ایران.

### نتیجه گیری

حوزه انقلابی را می توان معتقد به اسلام سیاسی و نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه جامع الشرایط عادل، ملهم از اندیشه های فقهی و کلامی امام خمینی دانست که خصایصی چون: حمایت از نظام جمهوری اسلامی، آینده نگری، تربیت متفکر با رویکردی جهانی و آرمان جامعه مهدوی، مردمی بودن حوزه انقلابی، برخوردار از شخصیت های برجسته انقلابی به مثابه الگو، نظیر سید جمال الدین اسدآبادی و امام خمینی علیه السلام و برخوردار از خیل عظیمی از مبلغین و طلاب با ملیت های مختلف را داراست.

از سوی دیگر، گفتمان انقلاب اسلامی که رهبران انقلاب دغدغه اشاعه آن را داشته و دارند، دارای خصایصی چون حاکمیت الهی به عنوان تنها الگوی مشروع، عدالت محوری، آرمان گرایی براساس اندیشه مهدوی، مردم سالاری دینی، استکبارستیزی، دفاع از مظلومان و مستضعفان، جهان شمولی، آزادی و استقلال و عدم وابستگی به قدرت های استکباری می باشد.

در انقلاب اسلامی ایران نیز آرمان جهانی رهایی مستضعفان و اعتقاد به عدم توقف انقلاب پس از پیروزی آن در ایران، مسئله اشاعه انقلاب و گفتمان انقلاب اسلامی را به دغدغه ای پررنگ برای رهبری انقلاب تبدیل نمود. در این میان، به علت ماهیت اسلامی انقلاب، آرمان های اسلامی

آن و نقش پررنگ حوزه علمیه در رهبری انقلاب و نظام برآمده از آن، سبب شد که حوزه علمیه در صدر توجهات در مسئله اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی قرار گیرد.

راهکارهای زیر می‌تواند در پیشبرد اهداف انقلابی حوزه‌ها، نقشی شتاب‌زا، پایدار و همراه با تعمیق نظام باورها ایفا نماید:

۱. تأسیس انجمن‌های علمی مستقل و تحت اشراف حوزه علمیه در کشورهای هدف و مقصد؛
۲. مطالعات جامعه‌شناختی از جوامع مسلمانان در کشورهای مختلف؛
۳. رصد و جمع‌آوری آثاری که درباره انقلاب اسلامی در جوامع مختلف نوشته شده است و تحلیل آن‌ها در راستای بهره‌گیری از آن نظریات در جهت نقش‌آفرینی بهتر و با آسیب کمتر؛
۴. تأسیس شبکه مبلغان مسلمان؛
۵. بی‌شک تأسیس انجمن‌ها و تشکل‌های وابسته یا تحت اشراف و یا هوادار حوزه علمیه در کشورهای مختلف، مستلزم تأمین نرم‌افزاری آن‌ها در عرصه آموزشی، برنامه‌های فرهنگی و مذهبی، رسانه‌ای و... می‌باشد. بدین منظور لازم است مرکزی در حوزه علمیه با رویکردی بین‌المللی با هدف تأمین نیازمندی‌های نرم‌افزاری این نهادها تأسیس گردد.

#### پی‌نوشت:

۱. امام خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ص ۱۳۹، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸، ج ۱۷.